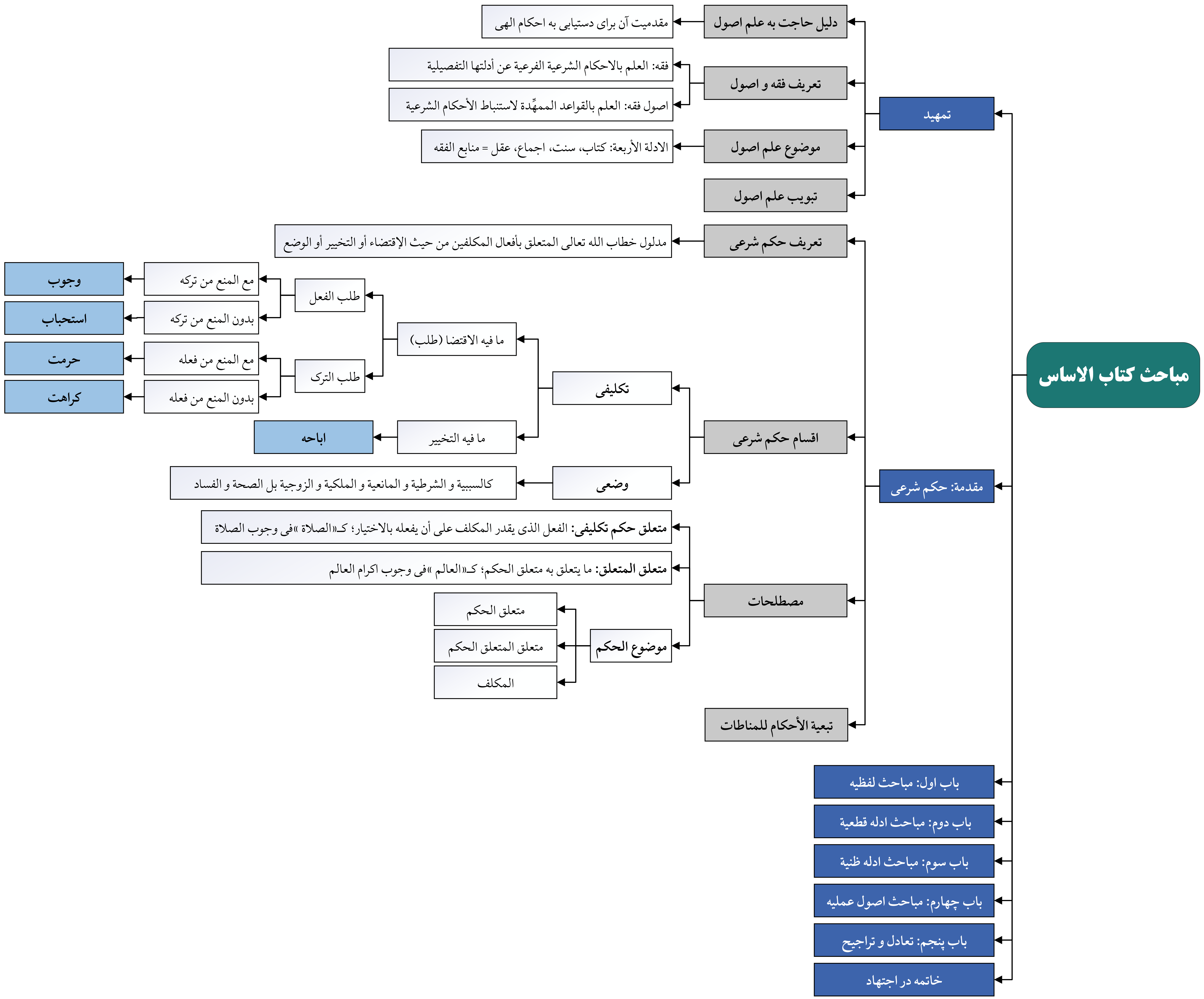





مباحث کتاب الاساس
تمهید
دلیل حاجت به علم اصول
مقدمیت آن برای دستیابی به احکام الهی
تعریف فقه و اصول
فقه: العلم بالاحکام الشرعية الفرعية عن أدلتها التفصيلية
اصول فقه: العلم بالقواعد الممهِّدة لاستنباط الأحكام الشرعية
موضوع علم اصول
الادلة الأربعة: كتاب، سنت، اجماع، عقل = منابع الفقه
تبویب علم اصول
مقدمة: حکم شرعی
تعریف حکم شرعی
مدلول خطاب الله تعالى المتعلق بأفعال المكلفين من حيث الإقتضاء أو التخيير أو الوضع
اقسام حکم شرعی
تکلیفی
ما فيه الاقتضا (طلب)
طلب الفعل
مع المنع من تركه
وجوب
بدون المنع من تركه
استحباب
طلب الترك
مع المنع من فعله
حرمت
بدون المنع من فعله
کراهت
ما فيه التخيير
اباحه
وضعی
كالسببية و الشرطية و المانعية و الملكية و الزوجية بل الصحة و الفساد
مصطلحات
متعلق حکم تکلیفی: الفعل الذی يقدر المكلف على أن يفعله بالاختيار؛ كـ«الصلاة» فی وجوب الصلاة
متعلق المتعلق: ما يتعلق به متعلق الحكم؛ كـ«العالم» فی وجوب اكرام العالم
موضوع الحکم
متعلق الحكم
متعلق المتعلق الحكم
المكلف
تبعية الأحكام للمناطات
باب اول: مباحث لفظيه
باب دوم: مباحث ادله قطعية
باب سوم: مباحث ادله ظنية
باب چهارم: مباحث اصول عمليه
باب پنجم: تعادل و تراجيح
خاتمه در اجتهاد




باب اول: مباحث الفاظ
مقدمه
الوضع
استعمال
دلالت لفظی
فصل اول: اوامر
مادة الأمر
صيغه امر
اقسام الواجب
فصل دوم: نواهی
مادة النهی
صيغه النهی
فصل سوم: عام و خاص
عام
تخصيص
فصل چهارم: مطلق و مقید
مطلق
مقید
فصل پنجم: مفاهیم



باب دوم: مباحث ادله قطعیه
مقدمات
قطع و حجیت آن
حقیقت قطع
انواع قطع
حجیت قطع
علم(قطع) اجمالی
فصل اول: دلیل العقل
مستقلات عقلیه
ساختار قیاس
تجری
غیرمستقلات عقلیه
فصل دوم: عرف و سیره
اصطلاحات
نقش عرف در استنباط
کشف حکم شرعی
سائر مجالات
فصل سوم: اجماع
تعریف
اقسام و محل بحث
طرق استکشاف حکم شرعی به وسیله اجماع



باب سوم: مباحث ادله ظنیه
مقدمه: دلیل ظنی (اماره)
تعریف
اقسام
ظن شخصی
ظن نوعی
امکان تعبد
ابن قبة رازی
قاطبه اصولیون
اصل اولی در حجیت
عدم جواز اسناد
عدم جواز استناد
دلیل حجیت
خاص
عام
فصل اول: ظواهر
اقسام ظهور
تصوری
تصدیقی
دلیل حجیت
سیره عقلاء
موقف اخباریین نسبت به ظواهر قرآن و سنت
فصل دوم: اخبار
تعریف
اقسام خبر
متواتر
تفصیلی
اجمالی
واحد
اقسام
اقوال در حجیت
ادله حجیت
میدان دلالت ادله حجیت خبر واحد
فصل سوم: اجماع منقول
ارکان
انواع
فصل چهارم: شهرت فتوائی
تعریف شهرت
در لغت: ظهور و وضوح
در اصطلاح
فصل پنجم: امارات غیر معتبر
قیاس
تعریف
ارکان
اقوال
مصالح مرسله
تعریف مصلحت
اقسام مصلحت
استحسان
تعریف
اقوال



باب چهارم: مباحث اصول عملیه
مقدمه
تعریف اصول عملیه: قواعدی که پس از فحص و یأس از وجود دلیل قطعی و ظنی، در مقام عمل و نه مقام واقع تکلیف مکلف را کشف می کند
مجاری اصول عملیه (بر اساس حالات مکلف)
حالت سابقه ملحوظه وجود دارد
مجرای اصل استصحاب
حالت سابقه ملحوظه وجود ندارد
شبهه مقرون به علم اجمالی نیست
مجرای اصل برائت
شبهه مقرون به علم اجمالی است
احتیاط ممکن هست
مجرای اصل احتیاط
احتیاط ممکن نیست
مجرای اصل تخییر
اقسام شبهات
تقسیم اول
حکمیه
تعریف: شبهه در حکم کلی
متعلق شک
گاهی صرفا خود حکم کلی است
گاهی شبهه مفهومیه در متعلق یا موضوع حکم و به تبع حکم کلی است
منشأ شک
فقدان نص
اجمال نص
تعارض نصین
موضوعیه
تعریف: شبهه در حکم جزئی
گاهی مصداق خارجی (شبهه مصداقیه): شک در ملاقات و عدم ملاقات
گاهی صرف حکم جزئی: شک در طهارت ثوب
نکته) علم اصول، متکفل بحث از اصول عملیه ای است که شأنیت اجرا در شبهات حکمیه در جمیع ابواب فقهیه داشته باشد
تقسیم دوم
شبهه در تکلیف: شک در اصل حکم جزئی یا کلی است
شبهه در مکلّفٌ به: شک در متعلق تکلیف کلی یا جزئی است
تقسیم سوم
شبهه تحریمیه: شک بین حرمت و غیر وجوب یا بین حرام و غیر واجب
شبهه وجوبیه: شک بین وجوب و غیر حرمت یا واجب و غیر حرام
شبهه بین محذورین: شک بین وجوب و حرمت یا واجب و حرام
فصل اول: برائت
تعریف: حکم ظاهری به عدم تکلیف و عدم وجوب احتیاط
اقوال
در شبهات موضوعیه
جاری است بالاتفاق
در شبهات حکمیه
اصولیون: جاری است مطلقا
ادله
کتاب
سنت
عقل
اخباریون
فصل دوم: احتیاط
اقسام شک در مکلّف به
متباینین
اقسام
محصوره
غیر محصوره
مخالفت قطعی
موافقت قطعی
حکم
اقل و اکثر
تعریف: شبهه ای که اطراف شبهه، داخل در یکدیگر هستند
استقلالی
ارتباطی
اقل و اکثر استقلالی در شبهه تحریمیه
اقل و اکثر استقلالی در شبهه وجوبیه
اقل و اکثر ارتباطی در شبهه تحریمیه
اقل و اکثر ارتباطی در شبهه وجوبیه (شک در جزئیت، شرطیت یا مانعیت)
در شبهات حکمیه
در شبهات موضوعیه
فصل سوم: تخییر
در موارد شک در تکلیف
اقوال
قیل: ترجیح جانب نهی: به دلیل اولویت دفع مفسده از جلب منفعت
محقق خراسانی: حکم به تخییر ظاهری عقلا و اباحه شرعاً
مصنف: برائت عقلی و شرعی
نکته) در این موارد شبهه حکمیه مثال فقهی قابل توجه ندارد و از این رو، بحث محدود به شبهات موضوعیه است
در موارد شک در مکلّف به
تخییر جاری است
دلیل: زیرا مکلف از سه حال خارج نیست
فصل چهارم: استصحاب
تعریف
لغوی: دعوت به همراهی و همراه ساختن
اصطلاحی: اثبات شیء در زمان لاحق به جهت اعتماد به یقین به ثبوت آن در زمان سابق (إبقاء ما کان)
ارکان
یقین سابق به ثبوت شیء
شک لاحق به بقاء شیء
شرط: وحدت متعلق یقین و شک؛ زیرا اگر چین نباشد، شک در بقاء شیء صدق نمی کند بلکه شک در حدوث شیء جدید است
ادله حجیت
عقل
بناء عقلا
اخبار: از جمله مضمره زرارة: لا ینقض الیقین بالشک أبدا و إنما ینقضه بیقین آخر
بررسی
میدان دلالت استصحاب: استصحاب تنها در موارد شک در حکم شرعی یا موضوع حکم شرعی جاری است
در نتیجه
استصحاب کلی
تعریف: استصحابی است که مستصحب در آن، امری کلی است
انواع کلی
قسم اول
منشأ: شک در بقای فرد متیقن سابقا
حکم: ارکان استصحاب در کلی تمام است
قسم دوم
منشأ: شک در صنف فرد متیقن سابقاً (قطعی البقاء و قطعی الارتفاع)
حکم: در این موارد
قسم سوم
منشأ: شک در حدوث فرد جدید پس از علم به ارتفاع فرد اول
حکم: در این موارد
استصحاب کلی
قیل: جاری است
مصنف: جاری نیست

باب پنجم: تعادل و تراجیح

- **تعارض**
  - **تعریف**
    - تنافی دو دلیل در مدلولشان
      - اقسام تنافی
        - تناقض: وجوب و عدم وجوب؛ حرمت و عدم حرمت و ...
        - تضاد: وجوب و استحباب، وجوب و کراهت و ...
      - **نکته)** تنافی بین دو دلیلی است که هر دو شأنا حجت باشند؛ در نتیجه
        - بین دو لاحجت تنافی نیست
        - بین حجت و لاحجت تنافی نیست
        - بین دلیل قطعی و دلیل ظنی تنافی نیست؛ زیرا دلیل ظنی در صورت قطع به خطای آن، حجت نیست
    - **نکته)** تعبیر تعارض برای اصول عملیه تسامحی است و تعارض بین اصول عملیه از جهت دلیل اعتبار آن است نه مدلولشان، زیرا اصول علمیه دلیل حکم شرعی نیستند بلکه خودشان حکم شرعی یا عقلی اند
  - **اقسام**
    - **تعارض ادله**
      - **تعارض غیر مستقر(بدوی)**
        - **تعریف:** تعارضی که عرف در جمع بین آن دو دلیل متعارض، متحیر نمی ماند
        - **انواع**
          - **تخصیص**
            - **تعریف:** اخراج حکمی موضوع دلیل خاص از تحت حکم عام
              - نکته) خروج موضوع یک دلیل از تحت موضوع دلیل دیگر را «تخصّص»می گویند که از موارد جمع عرفی نیست، زیرا اساسا بین این دو دلیل تنافی نیست
            - **وجه تقدم خاص بر عام**
              - اظهریت خاص از عام
              - نفس خاص بودن(چه اظهر باشد و چه نباشد)
            - **مورد:** اگر دو دلیل، یکی عام(شمول لفظی) و یکی خاص باشد و بین حکم آن دو، تنافی باشد
          - **تقیید**
            - **تعریف:** اخراج حکمی افراد مقید از تحت حکم مطلق
            - **مورد:** اگر دو دلیل، یکی عام(شمول به مقدمات حکمت) و یکی مقیّد باشد و بین حکم آن دو، تنافی باشد
          - **تقدیم نص بر ظاهر**
            - **دلیل:** عرف نص و اظهر را بر ظاهر مقدم می کند؛ زیرا نص و أظهر را قرینه بر تصرف در ظاهر می بیند
            - **مورد شایع**
              - تقدیم آنچه نص در جواز است بر آنچه ظاهر در حرمت است و حمل ظاهر بر کراهت
              - تقدیم آنچه نص در جواز است بر آنچه ظاهر در وجوب است و حمل ظاهر بر استحباب
          - **حکومت**
            - **تعریف:** نظارت و تعرّض یکی از دو دلیل نسبت به دلیل دیگر به توسعه یا تضییق تعبدی
            - **انواع**
              - تضییقی
                - در موضوع
                - در محمول
              - توسعه‌ای
                - در موضوع
                - در محمول
            - **نکته)** مراد از «ورود»: اینکه یک دلیل، موضوع دلیل دیگر را با تعبد از جانب شارع، حقیقةً رفع نماید؛ مانند: ورود دلیل حجیت اماره بر قاعده «قبح عقاب بلابیان» که سبب می شود حقیقةً موضوع «لابیان» رفع شود
              تفاوت حکومت و ورود در این است که در ورود، موضوع دلیل پس از تعبد شارع حقیقة رفع می شود ولی در حکومت، تعبدا موضوع ضیق یا موسع می شود
          - **جمع با شاهد:** در صورتی که شاهدی از عقل یا نقل بر جمع عرفی وجود داشته باشد
      - **تعارض مستقر**
        - **تعریف:** عرف امکان جمع بین دو دلیل متعارض را ندارد
        - **قاعده اولی**
          - اقوال
            - مشهور: **تخییر**
            - شیخ انصاری: **توقف**
            - محقق خراسانی و مصنف: **تساقط**
              - **دلیل:** عمده دلیل حجیت امارات، سیره است و سیره دلیل لبی است و تنها، مقدار متیقن آن حجت است و قدر متیقن از امارات مواردی است که معارض نداشته باشد و لذا در موارد تعارض، هیچ کدام از دو متعارض، حجت نیستند
              - نکته) فرق بین توقف و تساقط: در تساقط متعارضین کالعدم است و در این صورت، رجوع به عام فوقانی و اصل عملی صحیح است؛ اما در توقف به هر دو عمل نمی شود اما اصل عملی منافی هیچ کدام هم جاری نمی شود
          - **نکته)** فوائد بحث از قاعده اولیه
            - اول، قاعده اولیه برای تعارض مطلق امارات معتبره است اما قاعده ثانویه، به فرض اثبات، مختص به تعارض اخبار است
            - دوم، قاعده ثانویه در اخبار هم اول الکلام است و ثابت نیست
        - **قاعده ثانوی**
          - **در هنگام تعادل دو دلیل**
            - قیل: **تخییر**
              - **دلیل:** روایت حسن بن جهم: موسع علیک بأیهما أخذت
                - **ایراد:** ضعیف السند است
              - نکته) اگر دلالت اخبار بر تخییر تمام باشد، باید آن را به مواردی که مخالفت قطعیه پیش نیاید قید زد
            - قیل: **توقف**
              - **دلیل:** موثقة سماعة: یرجئه حتی یلقی من یخبره
                - **ایراد:** این روایت مختص به زمان ظهور است زیرا فرض تمکن از وصول به معصوم(من یخبره) در آن شده است
            - مصنف: قاعده ثانوی در متعادلین وجود ندارد؛ بلکه باید به قاعده اولیه یعنی **تساقط** رجوع کرد
          - **در هنگام ترجیح یک دلیل بر دلیل دیگر**
            - **مرجحات**
              - **منصوصه**
                - **احدث بودن**
                  - **دلیل**
                    - **روایت حسین بن مختار:** لوحدثتک بحدیث العام ثم جئتنی من قابل...
                    - **روایت معلّی بن خنیس:** اذا جاء حدیث من أولکم و حدیث عن آخرکم...
                      - **ایراد:** صرف تقدم و تأخر زمانی تاثیری در ترجیح ندارد زیرا همه روایات در رتبه واحده است و مراد از اخبار فوق بیان وظیفه فعلی مخاطبین در شرایط و ظروف خاص بوده است
                - **شهرت**
                  - **دلیل**
                    - **مرفوعه زرارة:** خذ بما اشتهر بین أصحابک و دع الشاذّ النادر
                      - **ایراد:** ضعف سندی به جهت ارسال در سند
                    - **مقبولة عمر بن حنظلة:** یترک الشاذ النادر الذی لیس بمشهور عند أصحابک فإنّ المجمع علیه لا ریب فیه
                      - **تقریب:** به قرینه «شاذ» در مقابل «مجمع علیه»مشهور است
                        - **ایراد**
                          - مقبوله، مربوط به باب قضا است نه باب استنباط و تعدی از باب قضا به باب استنباط دشوار است
                          - ظاهر از عنوان «مجمع علیه الذی لا ریب فیه »مواردی است که اصحاب بر صدور آن اجماع دارند و از این رو، خبری که در مقابل این خبر است، دیگر حجت نیست و از این رو، چنین شهرتی برای تمییز حجت از لاحجت است نه ترجیح حجت بر حجت
                - **صفات راوی**
                  - **دلیل**
                    - **مرفوعه زراره:** خذ بقول أعدلهما عندک و أوثقهما فی نفسک
                      - **ایراد:** ضعف سندی
                    - **مقبوله عمر بن حنظله:** الحکم ما حکم به أعدلهما و أفقههما و أصدقهما فی الحدیث و أورعهما
                    - **روایت داود بن حصین:** ینظر إلی أفقههما و أعدلهما بأحادیثنا و أورعهما فینفذ حکمه
                      - **ایراد:** ظهور در اختصاص به باب قضا
                - موافقت کتاب
                  - **تعریف:** عدم مخالفت
                    - **انواع مخالفت**
                      - **به نحو تباین کلی:** از باب تعارض خارج است و بدون چنین مخالفی حجت نیست
                      - **به نحو عموم و خصوص مطلق**
                        - **اقسام**
                          - یکی از دو خبر، موافق عام قرآن و خبر دیگر نسبت به قرآن خاص است: روایت عام موافق کتاب ترجیح داده می شود و دیگری ترک می شود
                          - یکی از دو خبر، موافق خاص قرآن است و خبر دیگر، نسبت به قرآن عام است: خبر عام به وسیله کتاب و خبر خاص تخصیص می خورد
                            - **نکته)** فرق این دو قسم این است که در قسم اول، عمل به روایت خاص مخالف کتاب، مخالف دستور معصوم به «ما خالف کتاب الله فذروه »است زیرا عمل به روایت خاص سبب کنار رفتن روایت عام می شود و از این رو، روایت خاص کاملا کنار گذاشته می شود. اما در قسم دوم، عمل به روایت عام مخالف کتاب، در مقدار موافق با کتاب و روایت دیگر، مخالف کتاب نیست و مشمول دستور معصوم نمی شود از این رو، از این رو، به صورت کامل کنار گذاشته نمی شود بلکه به قرینه کتاب و روایت خاص، روایت عام تخصیص می خورد
                      - **به نحو عموم و خصوص من وجه:** در غیر ماده اجتماع هر دو روایت حجت اند، اما در ماده اجتماع روایت موافق کتاب اخذ می شود
                  - **ادله**
                    - **معتبره ابن أبی یعفور:** اذا ورد علیکم حدیث فوجدتم له شاهداً من کتاب الله و إلا فالذی جاءکم به أولی به
                      - **ایراد:** ظهور روایت در بیان موافقت با کتاب، تمییز حجت از لا حجت است و اینکه آنچه موافق کتاب نیست، صادر نشده است به قرینه «الذی جاءکم أولی به»
                    - **موثقه سکونی:** ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه
                      - **ایراد:** ظهور این روایت در تمییز حجت از لاحجت است
                    - **مقبوله عمر بن حنظله:** ینظر فما وافق حکمه حکم الکتاب ... فیؤخذ به و یترک ما خالف حکمه حکم الکتاب
                      - **ایراد:** هر چند دلالتش خوب است اما احتمال اختصاص آن به باب قضا وجود دارد
                    - **معتبره عبدالرحمن بن أبی عبدالله:** اذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فاعرضوهما علی کتاب الله
                      - مصنف: دلالتش بر ترجیح به موافقت کتاب تمام است
                - مخالفت با عامه
                  - **دلیل**
                    - **معتبره عبدالرحمن بن أبی عبدالله:** اذا ورد علیکم حدیثان مختلفان فاعرضوهما ... علی أخبار العامة
                      - مصنف: دلالتش بر ترجح به مخالفت عامه تمام است و دلالت می کند بر اینکه روایت موافق عامه در جهت بیان حکم واقعی صادر نشده است بلکه به جهت تقیه است
                - **نکته۱)** ظاهر اخبار ترجیح این است که در صورت وجود یک مرجح، اخذ به آن واجب است
                - **نکته۲)** اگر مرجحات متعدد باشد
                  - مصنف: ترتیبی بین مرجحات نیست مگر یک طرف مشهور باشد
              - **غیر منصوصه**
                - **تعریف:** مرجحی که مرجح بودن آن در روایات تصریح نشده است، مانند فصاحت یا أفصحیت یا نقل به لفظ یا علوّ سند و ...
                - **اقوال در جواز تعدی از مرجحات منصوصه به غیر منصوصه**
                  - قیل: تعدی **واجب است**
                    - **دلیل:** ملاک مرجحات اقربیت به واقع است و موارد مذکور در روایات، خصوصیت ندارد
                  - مصنف: تعدی **جائز نیست**
                    - **دلیل:** با وجود قاعده اولیه تساقط، جز در مواردی که یقین به خروج آن از تحت قاعده است، حکم به تساقط می شود
    - **تعارض اصول**
      - تعارض بین برائت، احتیاط و تخییر
        - تصویر نمی شود؛ زیرا مجرای این سه اصل از یکدیگر متفاوت است
      - تعارض استحاب با برائت، احتیاط و تخییر
        - استصحاب مقدم است
          - دلیل: زیرا ادله استصحاب، فرد شاک را به نازل منزله متیقن قرار می دهد و با وجود یقین تنزیلی، موضوع برائت، احتیاط و تخییر که شک است از بین می رود
        - ملاک تقدم
          - در اصول عقلی: از باب ورود؛ زیرا استصحاب، بیان است و عدم عقاب را اثبات می کند و از این رو، موضوع برائت(عدم بیان)، تخییر(فقد بیان) و احتیاط(احتمال عقاب) از بین می رود
          - در اصول شرعی: از باب حکومت؛ زیرا ادله استصحاب موضوع اصول شرعیه را تفسیر می کند و مفهوم معلوم و غیر معلوم را توسعه می دهد.
      - تعارض دو استصحاب
        - انواع
          - شک در بقاء یکی از دو مستصحب مسبب از دیگری نیست
            - مثال: یقین به نجاست یکی از دو اناء که معلوم الطهارة بوده اند و شک در فرد آن. استصحاب طهارت اناء اول با استصحاب طهارت اناء دوم تعارض و تساقط می کنند
            - حکم: تساقط دو اصل
          - شک در بقاء یکی از دو مستصحب مسبب از دیگری است
            - مثال: شک در بقاء نجاست لباسی که با آبی شسته شده است که معلوم الطهارة بوده و سپس مشکوک الطهارة شده است. استصحاب طهارت آب(صل سببی) بر استصحاب نجاست لباس(اصل مسببی) مقدم است
            - حکم
              - قیل: هر دو ساقط می شوند
              - قیل: به هر کدام عمل شود
              - مشهور قریب به اجماع و مصنف: تقدم اصل سببی بر اصل مسببی
  - **تزاحم**
    - **تعریف:** تنافی بین دو حکم به طوری که مکلف بر امتثال هر دو قادر نباشد
      - نکته) تقاوت تعارض و تزاحم: تعارض تنافی مدلول دو دلیل است به طوری که هر دو با هم قابل جعل نیست و از این رو، مربوط به شارع است؛ اما تزاحم تنافی دو حکم است به طوری که مکلف به جهت عدم قدرت، قادر به جمع هر دو نست و از این رو، مربوط به مکلف است. در نتیجه مناط تزاحم، عدم قدرت مکلف است، تزاحم و عدم تزاحم دو حکم، بسته به مکلفین مختلف، مختلف است بر خلاف تعارض که بین همه مکلفین مشترک است
    - حکم
      - در فرض تعادل: **تخییر**
        - **دلیل:** با توجه به عدم قدرت بر هر دو تکلیف، عقل حکم به عدم فعلیت هر دو تکلیف می کند، با این حال مانعی در فعلی شدن یکی از دو تکلیف وجود ندارد و این همان معنای تخییر است
      - در فرض ترجیح
        - در صورت وجود اهمیت، حکم اهم یا محتمل الاهمیت بر حکم مهم مقدم می شود
          - **نکته)** کشف اهم، غالبا با رجوع به لسان ادله ممکن است زیرا عقل دسترسی به مناطات احکام و تشخیص اهم و مهم ندارد

- **خاتمه در اجتهاد**
  - **تعریف اجتهاد**
    - قیل: فارغ کردن تلاش از سوی فقیه برای تحصیل ظن به حکم شرعی
      - **ایراد**
        - با توجه به اصل اولی عدم حجیت ظنون، آنچه در اجتهاد مهم است تحصیل ظن حجت است نه هر گونه ظن
        - اجتهاد تنها تمسک به ادله ظنی نیست، بلکه ادله قطعی نیز می تواند حکم شرعی را اثبات کند
    - مصنف: فارغ کردن تلاش از سوی فقیه برای تحصیل حجت بر حکم شرعی
    - **نکته۱)** کثیری از اصحاب، در اجتهاد حصول ملکه را شرط دانسته اند و مراد از آن قوه نفسانیه بر رد فروع به اصول است
    - نکته۲) ضروریات فقه، نیاز به استدلال و اجتهاد ندارد
  - **اقسام مجتهاد**
    - **مطلق:** مجتهدی که قادر بر استنباط جمیع احکام شرعی در ابواب مختلف است
    - **متجزی:** مجتهدی که تنها قادر به اجتهاد در بابی خاص است
  - **عوامل مؤثر در حصول ملکه اجتهاد**
  - **منابع اجتهاد**
    - کتاب، سنت، اجماع، عقل
  - **مبادی اجتهاد**
    - منطق، کلام، تفسیر، رجال، علوم عربی، اصول فقه
  - **مراحل استنباط**
    - ۱- تحدید مسأله از جهت موضوع و محمول
    - ۲- بررسی اقوال و کلمات اصحاب اجمالا یا تفصیلا
    - ۳- تأسیس اصل در مسأله
    - ۴- جستجو از ادله بر محتملات مسأله و ارزشگذاری ادله
    - ۵- معالجه تعارض بین ادله